



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

A Comparative Study of "Complicity" Liability in Organized Crime under Iranian and Iraqi Criminal Law

Zahra Sarikhani¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

E-mail: za.sarikhani@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 10 Jan 2025

Received in revised form 11 Feb 2025

Accepted 9 Mar 2025

Available online 31 Mar 2025

Keywords:

collective crimes,
complicity,
criminal law ,
criminal liability,
organized crime.

"Complicity" in criminal law is an institution that criminal justice now requires. What has caused this necessity is the countless statistics of group delinquency, including organized financial crimes, terrorism, war crimes, and crimes against humanity. This institution provides the possibility of imposing equal criminal liability on all intervenors in group and organized crimes, including the principal and the accomplice. By crossing the unnecessary boundaries of the conventional division in criminal liability, and assuming an explanation based on correct principles and regularity in the works, this theory provides the possibility of a fair response to types of interference in the actus reus of the crime. In this study, using library and internet resources and a descriptive-analytical method, the criminal law of Iran and Iraq, as two countries severely affected by these crimes, have been examined in terms of the possibility of including this institution.

As a result of this study, it is stated that in Iranian criminal law, due to legislative gaps, there is no possibility of imposing the liability of "complicity" on all active individuals in an organized group other than the planners and leaders in the crimes of Muharebeh and corruption on earth.

In Iraqi criminal law, there is a possibility of imposing criminal liability for "complicity" based on the general rules of criminal law and not under the independent code of "organized crime".

Cite this article: Sarikhani, Zahra. (2025). A Comparative Study of "Complicity" Liability in Organized Crime under Iranian and Iraqi Criminal Law. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 3 (1), 69- 95. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2052650.1101>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2052650.1101>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

بررسی تطبیقی مسئولیت «همدستی» در جرائم سازمان یافته در حقوق کیفری ایران و عراق

زهرا ساریخانی^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: za.sarikhani@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

جرائم گروهی،

جرم سازمان یافته،

حقوق کیفری،

مسئولیت کیفری،

همدستی.

مسئولیت «همدستی» در جرم در حقوق کیفری نهادی است که عدالت کیفری اکنون ضرورت آن را دارد. آنچه این ضرورت را موجب گردیده آمار بی‌شمار بزهکاری گروهی از جمله جرائم سازمان یافته مالی، تروریسم، جرائم جنگی و جنایات علیه بشریت است. این نهاد امکان تحمیل مسئولیت کیفری بر تمامی مداخله کنندگان در جرائم گروهی و سازمان یافته را به نحو برابر، اعم از مباشر و معاون، فراهم می‌نماید. این نظریه با عبور از مرزهای غیرضروری تقسیم‌بندی مرسوم در مسئولیت کیفری و با فرض تبیین بر اساس مبانی صحیح و قاعده‌مندی در آثار، امکان پاسخ عادلانه به انواع مداخله در رکن مادی جرم را فراهم می‌نماید. در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی حقوق کیفری دو کشور ایران و عراق به‌عنوان دو کشور بشدت آسیب‌دیده از این جرائم، از حیث امکان برداشتن این نهاد پرداخته شده است. به‌عنوان برآیند این تحقیق بیان می‌گردد که در حقوق کیفری ایران به دلیل خلأهای تقنینی، امکان اعمال مسئولیت «همدستی» بر تمامی افراد فعال در گروه سازمان یافته غیر از سردسته و رهبران در جرائم محاربه و افساد فی الارض، وجود ندارد. در حقوق کیفری عراق مبتنی بر قوانین عام حقوق کیفری و نه ذیل قانون مستقل جرائم سازمان یافته، امکان تحمیل مسئولیت کیفری «همدستی» موجود است.

استناد: ساریخانی، زهرا (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی مسئولیت «همدستی» در جرائم سازمان یافته در حقوق کیفری ایران و عراق. *مطالعات تطبیقی حقوق*

کشورهای اسلامی، ۳ (۱)، ۶۹-۹۵

<http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2052650.1101>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

انسان با ملاحظه‌ی امکانات و منافع محدود و از طرفی به دلیل نیازها و امیال نهفته در وجود خود، همواره با حکم به «ضرورت استخدام» و «ضرورت اجتماع» در جهت اهداف و مقاصد خود گام برداشته است. به این بیان که «انسان با هدایت طبیعت و تکوین پیوسته از همه سود خود را می‌خواهد و حکم طبیعت و تکوین وی را در اختلاف قرایح و استعداد تسلیم داشته است.» از طرفی «یکی از طبیعی‌ترین افعال هر موجود استفاده از موجودات دیگر در جهت رفع نیازهای خود است... گاهی رفع نیازهای انسان در گرو استفاده مقابل و تعامل دوسویه با دیگر انسان‌هاست.» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۳۰ و ۱۳۴). از این روست که انسان به حکم اضطرار روی به استخدام و اجتماع و تعامل با دیگران می‌آورد.

مجرمان نیز از این امکان در جهت نیل به انگیزه‌ها و امیال خود بهره برده‌اند. از این روست که ارتکاب جرم به صورت گروهی و سازمان‌دهی شده، پدیده‌ی جدیدی نیست. با این وجود نمی‌توان انکار نمود که تنها در اواخر قرن بیست بود که به دلیل حوادث و تغییرات سریع جهانی از جمله پایان جنگ سرد، فرآیند جهانی شدن و پیشرفت‌های بی‌وقفه‌ی فناوری انواع جرائم گروهی و یا سازمان‌یافته توسعه و گسترش پیدا کرد. به نحوی که این جرائم تهدیدات جدی و طولانی‌مدت را بر جوامع منطقه‌ای و بین‌المللی برجای گذاشته است. دو کشور همسایه عراق و ایران نیز به‌عنوان کشورهایی که در منطقه‌ی حساس و بی‌ثبات از لحاظ امنیتی، سیاسی، اقتصادی واقع شده‌اند تاکنون در معرض آثار مخرب متعدد از این جرائم بوده‌اند.

گروه‌های سازمان‌یافته در بزهکاری‌های خود در پی یافتن جوامعی هستند که کمتر از توسعه‌ی پایدار اقتصادی و سیاسی برخوردارند (بیابانی، ۱۳۹۵ ص ۸۹ و ۹۰) جامعه عراق از دیرباز تحت شرایط ناپایدار و توسعه‌نیافته از لحاظ سیاسی و اجتماعی زندگی نموده است. ماهیت جامعه عراق، آداب و رسوم، سنت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ آن عواملی هستند که ممکن است زمینه‌ی بسیاری از جرائم را فراهم نماید. همچنین عوامل دیگری از جمله امکان حمل سلاح و توانایی تشکیل، مدیریت و سازمان‌دهی گروه‌های مسلح، بیکاری و فقر، فقدان آگاهی از ماهیت و آثار این سازمان‌ها زمینه‌ی رشد بیش‌ازحد جرائم گروهی و سازمان‌یافته در این منطقه وجود دارد. (عزیز داخل، ۲۰۰۹: ۵۰۰-۴۹۸)

از طرفی کشور ایران نیز کشوری است که همواره در معرض بحران‌های داخلی و منطقه‌ای واقع شده است. بحران‌هایی همچون جنگ و منازعه با دشمنان خارجی و داخلی بعد از انقلاب، کشور را با انواع جرائم سازمان‌یافته از فساد اداری، احتکار و جعل گرفته تا قاچاق مواد مخدر و سوخت مواجهه نمود. از طرفی تورم، بیکاری و محرمیت از رفاه اقتصادی و اجتماعی همواره به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل اجتماعی در ایجاد جرم سازمان‌یافته، در ایران مورد توجه جرم‌شناسان بوده است.

تاکنون در خصوص خلأها و ضرورت‌های پیشگیرانه و امنیتی در زمینه‌ی مبارزه با جرم سازمان‌یافته به صورت عام و یا در مورد کشوری خاص، آثار بسیاری تولید شده است؛ اما موضوعی که در مبارزه با جرم سازمان‌یافته کمتر مورد توجه واقع شده است نحوه‌ی تعیین مسئولیت کیفری اعضاء مداخله‌کننده در این گروه‌هاست به نحوی که بتوان تمامی افراد مؤثر در ادامه‌ی حیات گروه مجرمانه‌ی سازمان‌یافته را به همانند مباشر در ارتکاب رکن مادی جرائم سازمان‌یافته قلمداد نمود. تا بدین طریق امکان رهایی افراد مؤثر و با نقش‌های تعریف شده در سازمان مجرمانه، با اعمال مجازات تبعی معاونت در جرم از چنگال عدالت مسدود گردد.

افراد متخصص، متبحر و هوشمند مانند، رهبران، طراحان، ناظران فنی بر ارتکاب جرائم، مطلعین و مخبران و... که بسا نقش‌های حیاتی و کلیدی را در بقاء سازمان مجرمانه ایفاء می‌نمایند. در این زمینه در حقوق کیفری عرفی^۱ نهادی به نام «همدستی»^۲ ایجاد شده است. این نظریه که بدان نام‌های دیگری نیز مانند «قصد مشترک»^۳ و یا «گردهمایی مجرمانه»^۴ اطلاق شده است، صرفاً در تعیین مسئولیت کیفری جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم گروهی گسترده مورد استناد قرار نگرفته است، بلکه اساساً باید خواستگاه آن را در جرائمی دانست که با تعدد عوامل دخیل در مجموعه‌ی جرم، اعم از عملیات مقدماتی، تسهیل^۵ یا حضور در صحنه جرم و انجام رکن مادی، صورت گرفته و در ضمن قصد مشترک مورد توافق نیز احراز گردد، این نظریه مبنای مسئولیت و امکان مجازات برابر تمامی افراد مداخله کننده در تجمع یا گردهمایی مجرمانه را فراهم می‌نماید.

در خصوص سابقه‌ی مسئولیت همدستی در جرم باید گفت حقوق اسلامی و فقه شیعی چندان با این مفهوم بیگانه نیست و زمینه‌های آن در برخی موضوعات که اتفاقاً وجوه تشابهی هم با جرائم سازمان‌یافته دارند، ملاحظه می‌گردد. در این زمینه می‌توان به جرم محاربه اشاره نمود که برخی از فقها در این مورد بر این نظر هستند که در صورتی که محاربه به صورت گروهی و سازمان‌یافته انجام یابد، ردء و طلیع که در محقق نمودن رکن مادی مداخله نموده‌اند، به‌عنوان همدست و شریک در جرم و محارب محسوب می‌گردند (موسوی اردبیلی ۱۴۲۹، ج ۳: ۵۳۲).

مجموع این مسائل بود که نگارنده را بر این داشت تا به بررسی حقوق کیفری دو کشور عراق و ایران، به‌عنوان دو کشور مواجهه با جرائم سازمان‌یافته، از حیث چگونگی تعیین مسئولیت کیفری افراد فعال در گروه مجرمانه بپردازد. در راستای دست‌یابی به تبیین محل نزاع، در ابتدا به بررسی مفهومی عنوان «همدستی در جرم» و «جرم سازمان‌یافته» پرداخته شده است. سپس نگارنده به بررسی قوانین کیفری مرتبط با جرم سازمان‌یافته، از حیث نحوه‌ی تعیین و اعمال مسئولیت کیفری بر اعضاء گروه سازمان‌یافته در حقوق کیفری ایران و عراق پرداخته است.

۱. مفهوم مسئولیت کیفری «همدستی»

مسئولیت همدستی به‌عنوان محور موضوع مقاله‌ی حاضر تقریباً مبحث جدیدی در مباحث حقوق کیفری است. مسئولیت از نوع همدستی نه‌تنها در جرائم سازمان‌یافته و نه حتی صرفاً در جرائم گروهی بلکه در حداقلی‌ترین فرض اجتماع در ارتکاب جرم که اجتماع دو نفر است نیز مطرح می‌باشد. باین‌وجود ضرورت استناد به این نوع از مسئولیت در جرائم سازمان‌یافته نسبت به مجرمیت جمعی^۶ بیشتر است. در ذیل به تبیین مفهوم همدستی و جرم سازمان‌یافته پرداخته شده است.

مجرمین در اغلب اوقات به دلایل مختلفی از جمله دلایل روان‌شناسانه و فنی، در تحقق اهداف مجرمانه‌ی خود روش ارتکاب جمعی را انتخاب می‌نمایند (کی‌نیا، ۱۳۷۴: ۳۲۳ و ۳۲۴). به‌نحوی که ممکن است افرادی

1- common law

2- complicity

3- common purpose

4- joint enterprise

5- procuring

6- collective criminality

در ذیل یک جمع مجرمانه^۱ نقش‌هایی مستقیم یا غیرمستقیم در تحقق رکن مادی جرم ایفاء نمایند. از این مطلب نتیجه‌ای که همواره ایجاد می‌گردد عبارت است از اینکه در حقوق کیفری فردی که رکن مادی جرم را ایجاد نموده تنها شخصی نیست که در قبال جرم مسئولیت کیفری پیدا می‌نماید، بلکه اگر دیگر افراد با کم‌ترین میزان اثرگذاری در تحقق نتیجه‌ی مجرمانه مداخله نموده باشند بر آنان نیز مسئولیت کیفری تحمیل خواهد شد (Catherine and Quin, 2015: 211). برخی از حقوقدانان به این مطلب، تحت عنوان امکان مسئولیت در برابر جرم دیگری^۲ اطلاق نموده‌اند. به اعتقاد آنان امکان مسئولیت در برابر فعل دیگری در دو مسئله به‌طور استثناء مطرح شده است، اول مسئولیت نیابتی^۳ که در موارد خاص ایجاد می‌گردد و دیگری همین مسئله‌ی مداخله‌ی ثانویه و غیر مباشری^۴ در جرم است (Brenner, 1991: 934).

بنابراین جمع مجرمانه برحسب نوع مداخله مادی و رکن معنوی مجرمان دخیل در آن، می‌تواند اشکال مختلفی از مسئولیت را موجب گردد. از جمله: -مسئولیت بر مبنای مشارکت در جرم، -مسئولیت بر مبنای معاونت و مشارکت در جرم و -مسئولیت بر مبنای همدستی در جرم

در قسم اول همان‌طور که پرواضح است هر یک از افراد مداخله کننده در جمع مجرمانه در صورتی که به‌صورت مستقیم در تحقق رکن مادی جرم، هرچند بخشی از آن، مداخله نموده باشد، همچنین رکن معنوی ضروری را حائز باشند، دارای مسئولیت تام در برابر جرم ایجاد شده هستند. در خصوص قسم دوم از مسئولیت کیفری، معاون در جرم کسی است که با مداخله‌ی مادی غیرمستقیم در تحقق جرم مؤثر واقع شده است از این‌رو است که مسئولیت وی را مسئولیت تبعی یا مشتق شده از مباشر^۵ اصلی نامیده‌اند. به عبارت دیگر این‌گونه از مسئولیت فی‌نفسه جرم نیست بلکه تنها در صورتی که جرم اصلی از ناحیه‌ی مباشر محقق گردد، مسئولیت ثانویه‌ی معاون در جرم نیز مطرح می‌شود (Gillies, 1981: 236). قابل توجه است که در این نوع از مسئولیت اشتقاقی، بایستی میان رکن روانی معاون و مباشر در جرم وحدت و یگانگی وجود داشته باشد، هرچند اطلاع از این وحدت قصد به‌هیچ‌وجه ضروری نیست. بر مسئولیت مبتنی بر مداخله‌ی ثانوی یا مسئولیت اشتقاقی توالی فاسدی هم از لحاظ حقوق ماهوی و هم شکلی، مترتب می‌گردد که می‌توان طرح این ایرادات را مقدمه‌ی بسط و گسترش نظریه‌ی مسئولیت «همدستی» دانست. از جمله اینکه زمانی که مباشر فاقد رکن روانی است یا به دلایلی رکن روانی وی مخدوش است، همچنین زمانی که مباشر یا به دلیل عوامل موجهه و یا دفاعیات غیرشخصی و یا زمانی که مباشر در جرم به هر دلیل، غیر از فقدان عنصر معنوی از مسئولیت کیفری رهایی یابد، مسئولیت معاون جرم قابل طرح و رسیدگی نخواهد بود (Ibid: 236- 253).

اگرچه نظریه‌ی جدید مسئولیت جمعی از میان آراء دادگاه‌ها در نظام عرفی شکل گرفت؛ اما برای اولین بار با انتشار مقاله‌ی کادیش با عنوان همدستی علت و سرزنش پذیری در سال ۱۹۸۵، مورد توجه بسیاری از حقوقدانان واقع شد و آثار بسیاری در این زمینه منتشر گردید (Mallema, 2011: 126).

۱- نگارنده از عبارت جمع مجرمانه در عوض گروه مجرمانه استفاده نموده است، چراکه برای صدق عنوان گروه بر مجموعه‌ای از افراد حداقل وجود سه نفر ضروری است ولی برای تحقق مجرمیت جمعی یا جمع مجرمانه وجود دو نفر از جمله مباشر و معاون نیز کفایت می‌نماید.

2- responsibility for the act of others

3- vicarious liability

4- accessory responsibility

5- derivative responsibility

نقطه‌ی عطف در قسم پیش رو در این نکته است که این نوع مسئولیت زمانی ایجاد می‌گردد که افراد مداخله کننده در جرم تحت نیت، هدف یا قصد مشترک در جهت ارتکاب جرم یا جرائمی توافق و تبانی می‌نمایند. این مسئولیت کیفری این امکان را فراهم می‌نماید که تمامی افرادی که در این قصد و توافق (صریح یا ضمنی) مشترک هستند، قابلیت مسئولیت یافتن در برابر جرم یا جرائم ارتکابی را دارند، هرچند که در مقام عمل مداخله‌ی آنان به صورت مستقیم در رکن مادی نبوده و فقط در عملیات مقدماتی یا تهیه‌ی مقدمات جرم مداخله نموده باشند. حقوقدانان و وکلا برای توجیه این نوع جدید از مسئولیت کیفری که برآمده از بزهکاری‌های نوین است توجیهات و مبانی متعدد و گاه پراکنده‌ای را مطرح نموده‌اند که بر پیچیدگی این مسئولیت و تعیین دقیق حدود و ثغور آن افزوده است. در مجموع آنچه در خصوص توجیهات نظریه‌ی همدستی بیان شده است را می‌توان آن گونه که در مورد مداخله‌ی مباحثی - غیر مباحثی بیان گردید، در دو دسته‌ی عمده‌ی تبیین‌های علی و تبیین‌های غیر علی (مبتنی بر قابلیت سرزنش) قرار داد.^۱

گسترش کنونی این نوع از مسئولیت را باید نتیجه‌ی رویه قضایی در حقوق داخلی نظام‌های کامن لاء از جمله انگلستان (Elliotte and Quin, Ibid: 22- 220) به‌ویژه رویه‌ی قضایی دادگاه‌های بین‌المللی دانست. به‌نحوی که در ذیل نظریه‌ی همدستی در کامن لاء، نظریه‌ی جدید و مشابه با آن تحت عنوان دکترین «شرکت جنایی مستمر» ایجاد گردید.^۲ این نوع از مسئولیت برای اولین بار در پرونده‌ی تادیج از ناحیه‌ی شعبه‌ی تجدیدنظر دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات یوگوسلاوی (ICTY) در زمانی که این شعبه در رسیدگی به جنایات جمعی که منجر به فجایع گسترده در طی دوران جنگ یوگوسلاوی، با مشکلات بسیاری مواجه شد، مطرح گردید. این در حالی بود که دادگاه بدوی به دلیل تفسیر مضیق و محدود متن اساس‌نامه دیوان یوگوسلاوی تادیج را نسبت به جرائم سنگین اتهامی مورد حکم براءت قرار داده بود. از این رو بود که شعبه‌ی تجدیدنظر دیوان این چالش را با تشریح دکترین «شرکت جنایی مستمر» رفع نمود (Summer, 2011: 171).

اما در رابطه‌ی شباهت مفهومی نظریه‌ی «همدستی» با نظریه‌ی «شرکت جنایی مستمر» باید بیان گردد که مسئولیت برآمده از نظریه‌ی اخیر به‌عنوان نوعی مسئولیت در قلمرو حقوق کیفری بین‌المللی در برابر جرائم ارتکابی با وسعت بسیار و تعداد شرکت‌کنندگان بالا در عملیات اجرایی جرائم مطرح شده است. جرائمی همچون جنایات جنگی، نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، تروریسم و... که گستردگی در بعد مکان، زمان و تعدد مداخله‌کنندگان در این جرائم، تشخیص و احراز هرگونه مداخله در جرائم را مشکل یا ناممکن می‌نماید.

این نوع از مسئولیت به دلیلی که ذکر شد آن‌چنان به نحو گسترده مورد استناد رویه‌ی قضایی بین‌المللی واقع شد که از شکل ابتدایی نظریه‌ی «همدستی» در جرم تطور پیدا نمود و به سایر اشکال و گونه‌های مسئولیت کیفری در جنایات وسیع بین‌المللی مبدل گشت. قابل ذکر است تنها وجه مشترک گونه‌های «شرکت جنایی مستمر» با نظریه‌ی «همدستی» در جرم، وجود قصد مشترک محکومین بدان است. در ذیل به انواع مسئولیت برآمده از شرکت جنایی مستمر اشاره می‌گردد:

1- to read more: Kadish, Sanford.A, 1985, complicity, cause and blame: a study in the interoperation of the doctrine. Berkley law, 73 Cal.L, Rev 323, and Kutz, Christopher, 2007, causeless complicity, criminal law and philosophy, vol 1, 289-305

2- joint criminal enterprise (JCE)

نوع اول از این مسئولیت تحت عنوان «شرکت جنایی مستمر اولیه»^۱ در پرونده‌ی تادیب مورد استناد قرار گرفت. نوع دوم از این مسئولیت که تحت عنوان «شرکت جنایی سیستماتیک»^۲ یا سازمانی واقع شده است. نوع سوم تحت عنوان «شرکت مجرمانه‌ی مستمر گسترده»^۳ قرار گرفته است. صرف نظر از نقدها و توجیحات نظریه که در جای خود باید بدان‌ها پرداخت، باید دقت شود که تحت هر سه نوع «شرکت مجرمانه مستمر»، امکان مجرمیت گروهی از افراد متعددی که درگیر اجرای یک نقشه یا طرح مشترک هستند، همواره وجود دارد، حتی اگر نتوان ثابت نمود که از نظر مادی در ارتکاب جرم یا جرائم یا حداقل در تهیه‌ی مقدمات و یا تسهیل عملیات اجرایی مداخله نموده باشند. همچنین تحت نوع سوم از این نوع مسئولیت، ممکن است آن‌ها را برای عمل مجرمانه‌ای که در ابتدا در قصد مشترک در نظر گرفته نشده است ولی عملاً توسط یکی از شرکت‌کنندگان ارتکاب یافته و قابلیت پیش‌بینی آن جرم به‌عنوان پیامد طبیعی چنین طرحی را داشته است؛ تحت شرایطی مسئول تمامی جرائم ارتکابی دانست.

از این رو در خصوص تبیین ارتباط مفهومی میان عناوین «همدستی» در جرم و «شرکت جنایی مستمر» باید گفت که اولاً «دکترین همدستی و شرکت جنایی مستمر هر دو در زمره‌ی نظریات مسئولیت کیفری جمعی‌اند و قصد مشترک را باید به‌عنوان عنصر ضروری در چنین اشکالی از مسئولیت دانست. ثانیاً: وجه تفاوت میان نظریه‌ی «همدستی» و نظریه‌ی «شرکت جنایی مستمر» در این است که در دکترین «شرکت جنایی مستمر» مرزها و قیود حقوق کیفری در احراز رکن مادی و معنوی به‌طور کامل درنور دیده شده است و اکتفا به کمترین درجه از وجود نیت و قصد مشترک در بین افراد مورد اتهام برای تحمیل مسئولیت در برابر هر جرمی ملاحظه می‌گردد. این در حالی است که در دکترین همدستی ضرورت احراز رکن مادی و رکن معنوی در تقسیم‌بندی مسئولیت مداخله‌کنندگان در جرم تا حدودی باقی است؛ و قاضی یا دادستان در مقام انتساب جرم به متهم بایستی علاوه بر احراز قصد و نیت مشترک میزان مداخله مادی و تأثیرگذاری متهم را در نتیجه‌ی نهایی برآمده از جرم معین نماید، هرچند که مداخله مستقیم در رکن مادی را نیز ضروری ندانیم.

به‌عنوان ثمره‌ی بحث اخیر این نکته‌ی بااهمیت روشن می‌گردد که امکان مسئول قلمداد نمودن تمامی افرادی که در ذیل یک سازمان مجرمانه به ایفاء نقش در راستای بقاء و ادامه‌ی فعالیت‌های سازمان مجرمانه می‌پردازند، در برابر تمامی جرائم ارتکابی سازمان، تنها در صورتی وجود خواهد داشت که مقام رسیدگی‌کننده به احراز تأثیرگذاری و نقش مؤثر عضو همچنین، رکن معنوی منطبق با هدف مشترک سازمان پرداخته باشد. در ذیل اشاره به ساختاری اجمالی از گروه‌های سازمان یافته اشاره می‌شود که در حقیقت بیان‌کننده‌ی نقش و جایگاه مؤثر هریک از اعضاء گروه در پیشبرد هدف مشترک جنایی است، به‌نحوی که اگر هریک از اعضاء نقش خود را به‌درستی انجام ندهد موجودیت و بقاء مستمر سازمان دچار اختلال خواهد شد.

«هسته شبکه‌های تبهکاری» عموماً از بازیگران مرتبط دارای روابط قوی شکل می‌گیرد. در بررسی که از ویژگی‌های مشترک سازمان‌های تبهکاری انجام گرفته است موارد زیر به‌عنوان افراد مداخله‌کننده در گروه مطرح شده‌اند:

- 1- basic joint criminal enterprise (BJCE)
- 2- systematic joint criminal enterprise (SJCE)
- 3- extended joint criminal enterprise (EJCE)

- ۱- سازمان دهنده‌ها که در حقیقت آن‌هایی هستند که هسته‌ی گروه به شمار می‌روند و میزان و گستره‌ی فعالیت‌ها را تعیین می‌نمایند.
- ۲- محافظت‌کننده‌ها که اطلاعات و دستورات را میان هسته و پیرامون منتقل و درعین حال هسته را در برابر خطر نفوذ محافظت می‌نمایند.
- ۳- مخبره‌کننده‌ها که بازخورد دستورات و خط‌مشی‌هایی را که آن‌ها به سایر بازیگران شبکه منتقل کرده‌اند را مشخص می‌نمایند.
- ۴- نگهبان‌ها که امنیت شبکه را تضمین می‌نمایند و اقدامات لازم را برای به حداقل رساندن آسیب‌پذیری در برابر نفوذها یا حمله‌ی خارجی صورت می‌دهند.
- ۵- گسترش‌دهنده‌ها که با عضوگیری‌های جدید و نیز گفت‌وگوهای همکاری با سایر شبکه‌ها و تشویق به همکاری بر گستره‌ی شبکه می‌افزایند.
- ۶- ناظران که به‌منظور ارزیابی کارآمدی شبکه ایفای نقش می‌کنند به این صورت که ضعف‌ها و مشکلات درون شبکه را به سازمان دهندگان اطلاع می‌دهند.
- ۷- سرپل یا نفوذی‌ها که بخشی از شبکه‌ی تبهکاری‌اند که به کار در نهادهای قانونی مانند دولت یا نهادهای تجاری و اقتصادی ادامه می‌دهند (بیابانی، همان: ۹۴).

۲. مفهوم «جرم سازمان یافته»^۱

در فقه عناوین مجرمانه‌ای همچون بغی، محاربه، تواطؤ، ارتداد، اشاعه‌ی فحشاء و افساد فی الارض وجود دارند که سازمان‌یافتگی در جرم و تشکیلاتی بودن یا موجب تشدید مجازات و یا حتی تغییر عنوان جرم می‌گردد (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹) و یا اینکه اساساً ساختارمندی و ارتکاب جمعی جرم را باید جزء مقومات ذاتی آن جرائم محسوب نمود. بااین‌وجود باید اذعان نمود که جرم سازمان‌یافته به معنای مصطلح امروزی آن در ادبیات جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌الملل به‌عنوان موضوعی مستحدث در منابع فقهی موجود نیست.

ازاین‌رو در تعریف جرم سازمان‌یافته در این تحقیق باید به ادبیات و آثاری که به‌عنوان جرم سازمان‌یافته اختصاص یافته‌اند، مراجعه نمود. جرائم سازمان‌یافته با مفاهیمی مانند جرائم سازمانی، جرائم شرکتی، جرائم باندهی و بزهکاری گانگ‌ها متفاوت است. این‌ها مفاهیمی هستند که در مطالعات جرم‌شناسی با وجود اشتراک در مفهوم و دایره‌ی شمول، هریک به نوع خاصی از بزهکاری نظر دارد (مقیم، صوفی زمره، ۱۳۹۷: ۵۰). به‌طور مثال بزهکاری گانگ‌ها به نوعی از بزهکاری دسته‌جمعی اطلاق می‌گردد که توأم با خشونت باشد. در خصوص این نوع بزهکاری آن‌چنان‌که ترشر در تحقیق پیشگامانه‌ی خود تبیین نموده است. گانگ‌ها صرفاً یک تجمع ساده مجرمانه با اعمال خشونت نیستند، بلکه به اعتقاد وی گانگ عبارت است از خانواده‌گوشه خیابانی برای پیوستن افراد جداشده از خانواده‌ی اصلی. خانواده‌ای که به‌واسطه‌ی بی‌تفاوتی بزرگ‌ترها نسبت به نیازهای جوانان تشکیل می‌شود. امروزه در عوض استفاده از گانگ تمایل به استفاده از اصطلاح «خرده‌فرهنگ‌ها» وجود دارد (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۳: ۱۵۸ و ۱۵۹).

همچنین «جرم شرکتی» به جرائم ارتكابی اطلاق می‌گردد که در آن جرائم ارتكابی توسط یک شخصیت حقوقی (واجد کسب‌وکار یا تجارت) و یا افراد فعال در ذیل آن محقق می‌گردد. در خصوص مسئولیت کیفری ناشی از ارتكاب جرائم واجد این خصیصه باید گفت، مسئولیت کیفری افراد ذیل این شخصیت حقوقی اصولاً مبتنی بر نظریات «مسئولیت نیابتی» و «مسئولیت کارفرما» مبتنی است (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). درحالی که در موضوع جرائم سازمان یافته و مسئولیت ناشی از آن، مفهوم سازمان اگرچه خود دارای ماهیت مستقل و منفک از افراد گروه به شمار می‌آید، لکن به هیچ وجه دلالت بر ماهیت شخصیت حقوقی مانند شرکت تجاری یا واحد مالی، ندارد بلکه صرفاً بر ویژگی سازمان‌دهی، ساختار و برنامه‌ریزی در جهت تحقق اهداف ناشی از ارتكاب جرم تأکید می‌گردد. باین وجود باید توجه نمود که جرم گردانندگان جرائم سازمان یافته به‌ویژه در جرم پول‌شویی، در اغلب موارد در قالب شرکت‌های تجاری به اهداف خود دست می‌یابند.

از دیگر مفاهیمی که با جرم سازمان یافته ارتباط نزدیکی دارد جرائم «یقه سفیدها»^۱ است. در تعریفی که ادوین ساترلند از جرائم «یقه سفید» برای اولین بار در سال ۱۳۹۰ بیان نموده است «جرم یقه سفید جرمی است که به‌وسیله فردی دارای شهرت و موقعیت اجتماعی بالا در دوره‌ای از اشتغالش انجام می‌دهد.» (Sutherland, 1950: 9). از نظر وی جرائم یقه سفیدها بر اثر توطئه‌ی اعضای طبقات ثروتمند باهدف استفاده از موقعیتشان در تجارت و صنعت برای منافع شخصی به‌صورت غیر مشروع انجام می‌گیرد. از این‌روست که وجه تشابه جرم سازمان یافته و یقه سفیدها را می‌توان هدف کسب ثروت از طریق دادوستد تجاری، قدرت، نفوذ و افزایش اعتماد دانست (محسنی، همان: ۱۳۴-۱۳۳).

همچنین جرم سازمان یافته را باید از جرائم سازمان یافته‌ی تروریستی متمایز نمود. از ویژگی‌های مشترکی که ممکن است موجب تصور یکسان‌انگاری جرم سازمان یافته با تروریسم و یا مصداق دانستن تروریسم به‌عنوان جرم سازمان یافته گردد، علاقه‌مند بودن گروه‌های تروریستی به کسب قدرت و نفوذ سیاسی، استفاده از ابزار خشونت و ارباب و کسب منافع مالی و مادی به‌منظور پیش برد اهداف گروه است. باین وجود مهم‌ترین شاخصه‌ی تمایز میان این دو عبارت است از اینکه سازمان‌های تروریستی دارای آرمان‌های سیاسی و اهداف ایدئولوژیک هستند و با حکومت‌های موجود در سرزمین‌های خود مخالفت می‌ورزند. لذا استفاده‌ی آن‌ها از ابزار خشونت و یا درآمد مالی و مادی در جهت برآورده نمودن آرمان‌های ایدئولوژیک و براندازی سیاسی است و لذا کسب درآمد و منفعت مالی فی‌نفسه برای آن‌ها هدف نیست. به‌عبارت‌دیگر می‌توان بیان نمود در گروه‌های تروریستی هدف، کسب قدرت سیاسی و مآلاً براندازی است و کسب درآمد مالی تنها ابزار به دست آوردن قدرت سیاسی است. درحالی که در جرائم سازمان یافته هدف کسب پول و سود اقتصادی است و اعمال نفوذ سیاسی، ابزار کسب منفعت مالی و مادی است. در تعریف جنایات یا جرائم سازمان یافته نظریات گوناگونی بیان شده است. برخی با تمرکز بر مجرمین سازمان یافته آن‌ها را افرادی می‌داند که «با ارتكاب برنامه‌ریزی شده جنایاتی قابل توجه برای تحصیل منفعت یا قدرت در صورتی که بیش از دو شریک در مدت زمان طولانی یا نامحدود سهمی از طریق تجارت یا ساختارهای شبه تجاری با استفاده از خشونت یا دیگر وسایل تهدید یا از طریق نفوذ در سیاست یا رسانه‌ها یا اداره عمومی، سیستم دادگستری یا اقتصاد ایفاء نموده و با یکدیگر همکاری نمایند.» (سلیمی، ۱۳۸۲: ۳۱).

برخی دیگر از تعاریف در تبیین مفهوم پیچیده و مورد اختلاف جرم سازمان یافته ویژگی‌های آن را بر شمرده‌اند. به‌طور مثال اتحادیه‌ی اروپا در تعریفی از جرم سازمان یافته به بیان ویژگی‌هایی پرداخته است:

۱- همکاری بیش از دو نفر ۲- وظیفه‌ی مشخص هریک از همدستان ۳- استمرار گروه برای دوره‌ی طولانی یا نامشخص ۴- استفاده از ساختار و نظم و کنترل ۵- ارتکاب جرائم سنگین تبه‌کارانه ۶- فعالیت در سطح بین‌المللی ۷- استفاده از خشونت و ابزار مناسب برای ارباب و تهدید ۸- استفاده از تشکیلات بازرگانی و شبه تجارتي ۹- ارتکاب مستمر تطهیر پول، ۱۰- تأثیرگذاری در امور سیاسی، رسانه‌های جمعی، ادارات عمومی، مقامات قضایی و اقتصاد ۱۱- هدف کسب منفعت مالی یا قدرت (بسیونی و وتر، ۱۳۸۰: ۱۹).

اما به نظر می‌رسد برای ارائه‌ی تعریف دقیق‌تر از جرم سازمان یافته بهترین راهکار مراجعه به متن کنوانسیون مبارزه با جرم سازمان یافته‌ی بین‌المللی (پالرمو)^۱ (۲۰۰۰) است. ماده‌ی ۲ کنوانسیون با تأکید بر «گروه مجرمانه سازمان یافته» به تبیین جرائم سازمان یافته پرداخته است:

«گروه مجرمانه سازمان یافته به معنی گروه دارای ساختار تشکیلاتی مرکب از سه نفر یا بیش‌تر است که برای مدت زمانی موجودیت می‌یابد و با هدف ارتکاب یک یا چند جنایت شدید یا جرائم مندرج در کنوانسیون به‌منظور تحصیل مستقیم و غیرمستقیم یک نفع مالی یا غیرمالی به نحو هماهنگ فعالیت نماید.»

نگارنده با توجه به موضوع همدستی در جرائم سازمان یافته و عنصر بنیادین «تبانی و توافق بر قصد مشترک» در موجودیت سازمان مجرمانه تعریف زیر را که در دکترین حقوقی بیان شده است تعریف برگزیده از جرم سازمان یافته می‌داند:

«جرم سازمان یافته» عبارت است از فعالیت‌های غیرقانونی و هماهنگ گروهی منسجم از افراد که با تبانی باهم و برای تحصیل منافع مادی و قدرت به ارتکاب مستمر فعالیت مجرمانه شدید می‌پردازند و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه استفاده می‌نمایند (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۱۳-۲۵).

وجه برتری این تعریف نسبت به سایر تعاریف از جمله کنوانسیون پالرمو اولاً از جهت تصریح به ضرورت تبانی و توافق (صریح یا ضمنی) در گروه سازمان یافته مجرمانه است در حالی که در ماده‌ی ۲ کنوانسیون صرفاً به وحدت اهداف مالی و مادی اشاره شده است. از طرفی این تعریف در شمول و تصریح بر هدف کسب قدرت نسبت به سایر تعاریف برتری دارد. چراکه هدف ثانوی کسب قدرت در جرائم سازمان یافته از طریق کسب سود و منفعت مالی محقق می‌گردد و اساساً گروه‌های سازمان یافته علاوه بر کسب سود و تجارت به دنبال کسب قدرت سیاسی و نفوذ نیز برای ادامه‌ی حیات هستند.

۳. همدستی در جرائم سازمان یافته در کنوانسیون پالرمو

یکی از تدابیری کیفیری که قطعاً در مبارزه با جرم سازمان یافته مؤثر است، تحمیل مسئولیت کیفیری بر مبنای نظریه‌ی «همدستی» در ارتکاب جرائم است. تا بدین وسیله هریک از افراد مداخله‌گر که در ادامه‌ی حیات مستمر گروه نقش مؤثری را ایفاء نموده است در برابر تمامی جرائم گروه سازمان یافته پاسخ‌گو باشد و برحسب مورد به مجازات‌های مقرر در رکن قانونی جرائم ارتکابی محکوم گردد.

یکی از اقداماتی که دول عضو در کنوانسیون مبارزه با جرم سازمان یافته‌ی فراملی بدان ملزم گردیده‌اند، وارد نمودن مفاهیم جرائم مندرج در ذیل مقررات کنوانسیون به مجموعه‌ی قوانین آن دولت عضو است. به‌طور مثال کنوانسیون در ماده‌ی ۶ کلیه‌ی دول عضو را ملزم نموده تا به جرم انگاری پاکسازی عواید حاصل از جرم پردازند؛ و در طی بندها و مقرره‌های ذیل ماده‌ی ۶ اقدامات ضروری تقنینی را که دول عضو در جرم انگاری پول شویی بدان ملزم‌اند را برشمرده است. از جمله اینکه در بندهای الف و ب از ماده‌ی ۶ انواع اعمال مختلفی را که مشمول جرم پول شویی می‌شوند را برشمرده است و دول عضو را ملزم نموده تا به جرم انگاری افعال مذکور در قوانین مصوب خود در زمینه‌ی پول شویی پردازند.

همچنین کنوانسیون در زمینه‌ی جرم انگاری و مسئولیت کیفری برآمده از «عضویت یا مشارکت در گروه سازمان یافته مجرمانه»^۱ که در حقیقت همان مسئولیتی است که تحت عنوان همدستی در گروه مجرمانه از آن یاد نمودیم، دول عضو کنوانسیون را ملزم به اقدامات تقنینی نموده است. در ماده‌ی ۵ کنوانسیون این‌گونه مقرر شده است:

جرم انگاری مشارکت در یک گروه مجرمانه سازمان یافته:

۱- تمامی کشورهای عضو باید تدابیر قانونی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا موارد زیر در صورتی که عمداً انجام شوند عمل مجرمانه محسوب شوند.

الف) یک یا هر دو مورد زیر به‌عنوان عمل مجرمانه به‌غیر از مواردی که عملیات انجام شده در حد شروع به جرم باشد یا اینکه جرائم اصلی به‌طور کامل محقق شده باشند:

۱- توافق با یک یا چند نفر برای ارتکاب یک جرم شدید به در راستای هدفی که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با کسب منافع مالی و یا مادی دیگر مرتبط باشد و در مواردی که حقوق داخلی کشورها مقرر نموده باشد، باید تبانی متضمن انجام یک عمل از ناحیه‌ی تبانی کنندگان در جهت پیشبرد توافق یا پیشبرد گروه مجرمانه سازمان یافته نیز باشد.

۲- عمل هر شخصی که با علم به اهداف و فعالیت‌های مجرمانه کلی گروه سازمان یافته یا با آگاهی از قصد آن گروه به ارتکاب جرم موردنظر به‌طور فعال در اقدامات زیر مشارکت نماید:

۱-۲. فعالیت‌های مجرمانه گروه سازمان یافته

۲-۲. سایر فعالیت‌های گروه‌های مجرمانه سازمان یافته با علم به اینکه مشارکت وی در دستیابی به اهداف مجرمانه فوق مؤثر خواهد بود.

ب) سازمان دهی، هدایت، همدستی، معاونت، تسهیل، یا مشاوره در ارتکاب جرم شدید مربوط به یک گروه مجرمانه سازمان یافته

در خصوص ماده‌ی ۵ کنوانسیون در ضرورت جرم انگاری مسئولیت کیفری همدستی برای تمامی اعضاء گروه سازمان یافته نکات زیر به دست می‌آید:

- بند یک الف از ماده‌ی ۵ درصدد جرم انگاری تبانی و توافق در ایجاد سازمان مجرمانه است که ممکن است طبق حقوق داخلی کشورها در جهت احراز آن ارتکاب بخشی از رکن مادی یا هر فعل مادی در جهت پیشبرد آن

توافق و تبنای ضروری شناخته شود؛ بنابراین روشن می‌شود که این قسمت از ماده‌ی ۵ کنوانسیون با مسئولیت همدستی در گروه مجرمانه مرتبط نیست.

بند دوم الف از ماده ۵ که خود دارای دو قسمت است در صدد جرم انگاری و اعمال مسئولیت همدستی برای تمامی افرادی است که با علم و آگاهی و با فرض وجود قصد مشترک یا در رکن مادی جرائم گروه سازمان یافته مداخله نموده باشد و یا اینکه در فعالیت‌های مادی پیرامون جرم سازمان یافته که در حقیقت در پیشبرد جرائم ارتكابی مؤثر هستند مداخله نموده‌اند. استفاده از واژه‌ی «مشارکت» (participation) در متن این قسمت از ماده در مسئولیت همدستی و برابر بودن تمامی افرادی است که ذیل گروه مجرمانه به نحوی از انحاء در رکن مادی جرم مؤثر هستند.

بند ۲ ماده‌ی ۵ کنوانسیون نیز در صدد جرم انگاری و تعیین مسئولیت همدستی برای افرادی است که اگرچه در رکن مادی جرائم مشارکت نموده‌اند و یا اینکه در تحقق رکن مادی مداخله مادی نداشته‌اند، لکن با انجام فعالیت‌هایی مانند سازمان دهی، رهبری، مشاوره و یا هر نوع تسهیل، در ارتكاب جرم سازمان یافته مشارکت نموده‌اند.^۱

۴. مسئولیت همدستی در جرائم سازمان یافته در حقوق کیفری ایران

برای امکان سنجی تحمیل مسئولیت کیفری همدستی در جرائم سازمان یافته بهترین سند موجود، «کنوانسیون ملل متحد در مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی» است. در دولت جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم امضاء سند پذیرش کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته (پالرمو) و تصویب لایحه‌ی الحاق به کنوانسیون از ناحیه‌ی مجلس شورای اسلامی، تصویب نهایی کنوانسیون به دلیل ایرادات فقهی و حقوقی شورای نگهبان متوقف شده است؛ بنابراین به دلیل عدم امکان مراجعه‌ی فعلی به مقررات کنوانسیون در قالب قانون مصوب قوه‌ی مقنن جمهوری اسلامی ایران و خلأ قانون خاص در زمینه‌ی مسئولیت کیفری همدستی درباره‌ی مجرمین جرم سازمان یافته و مصادیق آن، باید به مقررات حقوق جزای عمومی جمهوری اسلامی مراجعه نمود و به امکان سنجی اعمال مسئولیت کیفری ناشی از همدستی در جرائم سازمان یافته در مواجهه گسترده و قاطع با مجرمین سازمان یافته پرداخت.

قبل از هر چیز ذکر این نکته مفید است که در مجموعه‌ی قوانین و مقررات کیفری جمهوری اسلامی ایران مفاهیم مرتبط با مجرمیت جمعی و ساختارمند به کرات مورد تصریح قانون گذار قرار گرفته است. موادی که در ادامه ذکر می‌گردد در بردارنده‌ی جرائمی است که ارتكاب آن‌ها به صورت نظام مند و سازمان یافته باشد. قیام مسلحانه گروهی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده‌ی ۲۸۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲)، تشکیل یا اداره دسته، جمعیت با هدف برهم زدن امنیت (ماده ۴۹۸ ق.م.ا)، عضویت در دسته یا جمعیت‌هایی با هدف برهم زدن امنیت (ماده ۴۹۹ ق.م.ا)، سرقت‌های گروهی، (مواد ۶۵۱، ۶۵۴ و بند ۴ ماده‌ی ۶۵۶ ق.م.ا)، موادی از ارتكاب جرائم به صورت گروهی و سازمانی که در قوانینی همچون قاچاق انسان ۱۳۸۳، قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات، قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷، قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹، قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز ۱۳۹۰، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲.

۱- اگرچه باید به این نکته توجه نمود که مسئولیت همدستی برای افراد مذکور در این بند و امکان مجازات برابر با مباشرین در جرائم سازمان یافته، فقط در جنایات شدید است که در بند ب ماده‌ی ۲ بیان شده است: «جرم شدید» عمل مجرمانه‌ای است که مجازات آن سلب آزادی به مدت حداقل چهار سال یا مجازات‌های شدیدتر باشد.

باین وجود با بررسی قوانین ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار تعریفی از جرم سازمان یافته به عمل نیاورده و صرفاً به تشکیل شبکه، گروه یا جمعیت برای ارتکاب رکن مادی اشاره نموده است و یا در مواردی اداره، رهبری یا سردستگی را از علل مشدده‌ی مجازات دانسته است. به‌طور مثال ماده‌ی ۴۵ قانون مجازات ۱۳۷۰ در این زمینه مقرر نموده بود:

«سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است.»

با توجه به مواجهه‌ی جمهوری اسلامی ایران و دستگاه عدالت کیفری با انواع مختلف از جرائم گروهی و یا سازمان یافته به‌ویژه در طی سال‌های بحران و جنگ در کشور، همچنین وضع مقررات متعدد و پراکنده در زمینه‌ی جرائمی که ارتکاب آن‌ها نوعاً به‌صورت جمعی و سازمان یافته محقق می‌گردد، انتظار می‌رفت تا قانون‌گذار ۱۳۹۲ با فرض آگاهی از وضعیت موجود و نقایص در قوانین موجود، به‌ویژه با توجه به عدم تصویب نهایی لایحه‌ی کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته‌ی فراملی، درصدد برداشتن گامی نوین در جهت مسئولیت افراد مداخله کننده در جرائم گروهی و سازمان یافته برآمده باشد.

باین وجود تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ علی‌رغم برخی نکات مثبت در تعدادی از مواد قانونی، خلایق را که در مسئولیت کیفری اعضاء و افراد دخیل در ارتکاب جرائم سازمان یافته وجود داشت را برطرف ننموده است. قانون‌گذار صرفاً در ماده‌ی ۴۷ به ذکر جرم سازمان یافته اکتفا نموده بدون اینکه در هیچ ماده یا تبصره‌ای به تعریف آن و مسئولیت برآمده از آن تصریح نموده باشد:

با عدم درج تعریفی از جرم سازمان یافته در مقررات حقوق کیفری، بسی جای تعجب است که قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۳۰ در ذیل باب جداگانه، تنها به یکی از نقش‌های افراد دخیل در گروه مجرمانه تصریح نموده و هیچ مقرره‌ی دیگری در خصوص مسئولیت کیفری سایر افراد مؤثر و دخیل در جرائم سازمان یافته وضع ننموده است. درحالی که اگرچه نقش رهبران و طراحان گروه سازمان یافته بسیار بااهمیت است، جای سؤال باقی است که چرا قانون‌گذار ۱۳۹۲ در ماده‌ی ۱۳۰، صرفاً به نقش این دسته از افراد توجه نموده است و تنها درصدد ایجاد تحول در مسئولیت کیفری این افراد برآمده است؟ در ماده‌ی ۱۳۰ مقرر شده است:

«هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی‌الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی‌الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی‌الارض محکوم می‌گردد.»

تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازمان دهی یا اداره گروه مجرمانه است.»

اما با صرف نظر از ایراد عدم شمول ماده‌ی ۱۳۰ درباره‌ی سایر افراد مؤثر در گروه سازمان یافته، در خصوص اینکه آیا امکان برداشت نوع جدیدی از مسئولیت کیفری برای سردسته یا طراح گروه سازمان یافته وجود دارد یا خیر نکاتی بیان می‌گردد:

- قانون گذار در ماده‌ی ۱۳۰ اصولاً درصدد ایجاد مسئولیت «همدستی» در جرم برای سردسته یا طراح گروه و امکان مجازات برابر با مرتکبین رکن مادی جرائم نبوده است.

- در جرائم تعزیری در صورتی که فعالیت گروه مجرمانه با مفهوم جرم سازمان یافته منطبق باشد، نمی‌توان سردسته‌ی گروه سازمان یافته را همدست و دخیل در تمامی جرائمی دانست که گروه سازمان یافته مرتکب شده‌اند. چراکه قانون گذار صراحتاً در این موارد مسئولیت سردسته گروه را مجازات شدیدترین جرمی که مرتکبین جرائم انجام داده‌اند، مقرر نموده است. درحالی که اگر قانون گذار درصدد تحمیل مسئولیت «همدستی» در جرم بود باید همانند شرکا در جرم مسئولیت وی را مشمول قواعد تعدد جرم می‌نمود.

- در جرائم قصاص و دیه قانون گذار به هیچ وجه امکان مسئولیت «همدستی» برای طراح گروه و سازمان مجرمانه را ممکن ندانسته است. بلکه این افراد صرفاً به حداکثر مجازات معاونت در جرائم مذکور می‌رسند. شاید این نظر خالی از وجه نیز نباشد چراکه اساساً ماهیت متفاوت جرائم قصاص و دیه و قواعد فقهی حاکم بر مسئله‌ی دما و نفوس به گونه‌ای است که نمی‌توان به سهولت فردی را که در رکن مادی جنایت، نه به مباشرت و نه با سببیت، مداخله نموده را همدست در جنایات عمدی و غیر عمدی دانست و یا مسئولیت وی را از نوع مسئولیت مباشر (قاتل یا جارج) در جرم قلمداد نمود.

- تنها موردی که می‌توان مسئولیت کیفری از نوع همدستی را برای سردسته گروه سازمان یافته در نظر گرفت، در موردی است اولاً؛ که امکان تطبیق عنوان جرم محاربه و افساد فی الارض بر جرم یا جرائم ارتكابی موجود باشد و ثانیاً بر سردسته‌ی گروه عنوان محارب و مفسد فی الارض صدق نماید. اینکه در چه شرایط و با چه قیودی عنوان محارب و مفسد بر طراح و سردسته‌ی گروه محارب صدق می‌نماید نیازمند بررسی است و نمی‌توان به راحتی در این مورد قضاوت نمود؛ اما از طرفی با توجه به ماهیت شدید و گسترده‌ای که جرم محاربه و افساد فی الارض در بردارد، بعید نیست که در اغلب موارد طراح و سردسته‌ی گروه محارب و مفسد را مشمول مسئولیت کیفری همدستی دانست و مجازات برابر با مرتکبان رکن مادی جرم یا جرائم مذکور را بر آنان تحمیل نمود. این اقدام قانون گذار در امکان صدق عنوان محارب بر سردسته و تحمیل مجازات محاربه بر وی، پذیرش مسئولیت «همدستی» برای سردسته و رهبر گروه در جرائم سازمان یافته دانست.

در صورتی که مخاطب با این سؤال روبرو شود که مبنای تفاوت و تفکیک قانون گذار در پذیرش مسئولیت همدستی در جرائم سازمان یافته در جرائم تعزیری و جرم محاربه و افساد فی الارض چیست؟ و چرا صرفاً در قسم اخیر مسئولیت همدستی را برای سردسته پذیرفته است؟ این در حالی است که می‌توان جرائم سازمان یافته مالی را تصور نمود که فردی در آن به عنوان سردسته‌ی گروه مداخله نموده باشد و عنوان افساد و محاربه بر فعالیت‌های گروه صدق ننماید. لکن عدم صدق عنوان محاربه و افساد فی الارض بر مجموعه‌ی جرائم ارتكابی منجر به عدم صدق سازمان یافتگی جرم نخواهد بود.

بلکه در این جرائم نیز ویژگی سازمان یافتگی و ساختارمندی موجب صدق عنوان همدست بر سردسته و طراح گروه می‌گردد و لذا وی نیز باید همانند مرتکبین جرائم اصلی متحمل مجازات گردد. لذا در جرائم تعزیری نیز که ممکن است مجموعه‌ی فعالیت‌های گروه به حد افساد فی الارض نرسد تحمیل مسئولیت کمتر برای سردسته دور از عدالت و انصاف است. سؤال دیگری نیز وجود دارد مبنی بر اینکه قانون‌گذار ۱۳۹۲ در تفکیک افراد دخیل در جرائم سازمان یافته و تصریح به شمول افراد سردسته در مقررات مجزای ماده ۱۳۰ بر طبق کدام مبنای فقهی و حقوقی عمل نموده است؟

۵. مسئولیت همدستی در جرم سازمان یافته در حقوق کیفری عراق

کشور عراق در رتبه بالایی در شاخص جرائم سازمان یافته قرار دارد. بر اساس آخرین شاخص منتشر شده توسط «اقدام جهانی علیه جرائم سازمان یافته فراملی»، عراق در فهرست کشورهای که با بیشترین آمار پدیده جرائم سازمان یافته مواجه هستند، رتبه بالایی را به خود اختصاص داده است. بر این اساس عراق در سال ۲۰۲۳ از بین ۱۹۳ کشور در رتبه هشتم جهانی، از بین ۴۶ کشور آسیایی رتبه دوم قاره‌ای و از میان ۱۴ کشور نماینده منطقه غرب آسیا رتبه اول را به خود اختصاص داده است. بر اساس اقدام فوق، انواع جرائم سازمان یافته رایج در عراق شامل قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و کالاهای تقلبی، علاوه بر اخاذی، جعل، پول‌شویی و قاچاق انسان است (صحیفه العرب، ۲۰۲۳/۱۲/۱۲).

بالین وجود عراق نیز علی‌رغم الحاق و تصویب سند کنوانسیون همانند دیگر کشورهای عربی مانند مصر، امارات متحده عربی، سودان کویت، یمن و سوریه، هنوز قانون یکپارچه در مبارزه با جرائم سازمان یافته را مورد تصویب قرار نداده است و صرفاً در مجموعه‌ی قوانین عام کیفری موادی ملاحظه می‌گردد که دارای ارتباط با جرائم سازمان یافته هستند. به‌طور مثال در این زمینه می‌توان از مقرراتی نام برد که در مورد تشکیل و عضویت در گروه سازمان یافته در کشور عراق هستند. مواردی همچون تبانی موضوع مواد ۵۵ تا ۵۹ قانون مجازات عراق شماره (۱۱۱) مصوب ۱۹۶۶ همچنین موادی از تشکیل و عضویت در گروه‌ها و باندهای مخفی مجرمانه (مواد ۲۰۵، ۱۹۶، ۱۹۴، ۲۰۹) از جمله‌ی این مقررات مرتبط با جرم سازمان یافته و یا مجرمیت گروهی است (حاتم عبدالکاظم، ۲۰۲۴: ۴۳۸-۴۴۰).

در قوانین دیگری غیر از قانون عام حقوق کیفری موادی هستند که اشاراتی را در خصوص سازمان یافتگی جرائم و یا عضویت در گروه‌های مجرمانه در بردارند. به‌طور مثال ماده‌ی ۲۹ قانون مواد مخدر ۲۰۱۷ عراق، ویژگی سازمان یافتگی را در کنار مواردی مانند تکرار جرم کارمند بودن مجرم استفاده آر خشونت و سلاح در ارتکاب این جرم، از موارد تشدید مجازات بر شمرده است (عبدالله حاشی، ۲۰۲۲: ۵۴).

جرم قاچاق انسان یکی از مصادیق بارز جرم سازمان یافته‌ی فراملی حکومت عراق است که قوانین مختلف و پراکنده‌ای تاکنون در مورد آن به تصویب رسیده است، اما این قوانین با لحاظ سازمان یافتگی جرائم و تبعاً اقدامات ضروری در جهت مبارزه یا پیش‌گیری از این جرم به تصویب نرسیده‌اند. در ذیل قوانین مرتبط با جرم سازمان یافته‌ی قاچاق انسان در حقوق کیفری عراق ذکر شده است. ملاحظه می‌گردد که یا این قوانین خالی از توجه به مفهوم جرم سازمان یافته‌اند و یا اینکه در صورتی که به سازمان یافتگی جرم قاچاق زنان و کودکان تصریح نموده‌اند، این اقدام در حد اشاره باقی مانده است و ماده یا مقرره‌ای در خصوص مسئولیت کیفری تمامی اعضاء در گروه سازمان یافته مورد جرم انگاری واقع نشده است. قانون جزای عراق (۱۹۶۹) در ماده‌ی ۳۹۹ در موضوع قاچاق انسان مقرر نموده:

«هر کس مرد یا زنی را که به سن هجده سال تمام نرسیده است، به ارتکاب فحشا یا پیشه کردن منکر تحریک کند یا وسیله آن را تسهیل کند، هرچند مرتکب از بستگان قربانی باشد، به مجازات حبس محکوم می‌گردد.» در قانون مزبور مواد دیگری نیز هستند که به جرم انگاری تعدی به آبرو و شرف و یا جرم انگاری زنا و لواط پرداخته‌اند (مواد ۳۹۳-۴۰۴) قانون دیگر در موضوع قاچاق انسان و فعالیت‌هایی که مشمول تعریف قاچاق زنان و کودکان می‌گردد «قانون مبارزه با اشاعه‌ی فحشا» (۱۹۸۸) است. در ماده‌ی ۱ این قانون مقرر شده:

«دلالی عبارت از میانجیگری بین دو نفر به قصد تسهیل فحشا به هر وسیله است و شامل تحریک حتی با رضایت یا تمایل یکی از آن دو نفر و بهره‌برداری از فحشا با رضایت یا اجبار است.» همچنین در ماده‌ی ۵ این قانون مقرر شده:

«هر کس مرد یا زن را برای فحشا یا لواط در محلی با فریب، اجبار، زور یا تهدید نگه دارد و مقتول بالای ۱۸ سال سن داشته باشد، به حبس محکوم می‌شود.»

قابل ذکر است کشور عراق کنوانسیون الحاقی سازمان ملل متحد در مورد «لغو برده‌داری، تجارت برده‌داری و نهادها و شیوه‌های مشابه» (۱۹۵۶) را نیز امضاء نموده و در قالب قانون شماره ۶۶ آن را در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسانده است. قابل ذکر است این قانون به‌هیچ‌وجه به سازمان‌یافته بودن جرم قاچاق زنان و کودکان اشاره ننموده است. همچنین دولت عراق متعاقب الحاق به پروتکل منع قاچاق زنان و کودکان به‌عنوان یکی از پروتکل‌های سه‌گانه‌ی کنوانسیون مبارزه با جرم سازمان‌یافته‌ی فراملی (پالرمو)، قانون مبارزه با قاچاق انسان شماره ۲۸ (۲۰۱۲) را مورد تصویب قرار داده است. در بند ۳ ماده ۶ این قانون ذکر شده است که قاچاق انسان نوعی جنایت سازمان‌یافته است و اقدامات این قانون باید با لحاظ سازمان‌یافتگی مقرر شوند.

با این وجود به دلیل عدم تصریح به نوع مسئولیت کیفری افراد سهیم در گروه سازمان‌یافته‌ی قاچاق انسان، همچنین عدم تصویب قانون جامع مبارزه با جرم سازمان‌یافته که دربردارنده‌ی ارکان جرم و مسئولیت کیفری اعضاء گروه به نحو صریح و روشن باشد، برای معین نمودن مسئولیت کیفری مداخله‌کنندگان در جرم قاچاق سازمان‌یافته در کشور عراق باید به قوانین عام حقوق کیفری عراق که مندرج در قانون عقوبات عراق مراجعه نمود. همچنان که در سایر جرائمی که به نحو سازمان‌یافته در کشور عراق ارتکاب می‌یابند باید به قوانین عام حقوق کیفری کشور عراق مراجعه نمود.

طبق قانون جزای عراق شماره ۱۱۱ (۱۹۶۹) ماده‌ی ۴۷ و ۴۸، دو نوع نحوه در ارتکاب رکن مادی جرائم وجود دارد. مداخله به نحو مباشرت در جرم و مداخله به نحو مشارکت در جرم. ماده‌ی ۴۷ قانون جزای عراق:

عامل جرم هر کسی است که:

- ۱- آن را به تنهایی یا با فرد دیگری مرتکب گردد.
- ۲- هر کس در ارتکاب آن مشارکت داشته باشد اگر مشتمل بر مجموعه‌ای از اعمال باشد و در حین ارتکاب آن عمداً یکی از اعمالی را که آن را تشکیل می‌دهد انجام دهد.
- ۳- هر کس به هر طریقی شخصی را به ارتکاب فعل تشکیل‌دهنده‌ی جرم وادار کند در صورتی که شخص به هر دلیلی مسئولیت کیفری آن را نداشته باشد.

ملاحظه می‌گردد ماده‌ی ۴۷ قانون جزای عراق در بیان تبیین مسئولیت بر مبنای مداخله‌ی مستقیم در رکن مادی جرم است. این ماده در بردارنده‌ی صور سه‌گانه‌ای از ارتکاب رکن مادی است:

-مباشرت در جرم

-مشارکت در جرم

-ارتکاب جرم به واسطه‌ی سببیت اقوی از مباشر

اما آنچه در ادامه در ماده‌ی ۴۸ قانون‌گذار درصدد تقریر آن بوده است، تحمیل مسئولیت کیفری ناشی از مداخله‌ی غیرمستقیم در رکن مادی جرم است، به نحوی که افراد مداخله کننده را در حکم شریک جرم قرار داده است. ماده‌ی ۴۸ مقرر می‌نماید:

شریک در جرم محسوب می‌گردد:

۱- هر فردی که دیگری را به ارتکاب آن تحریک نموده و بر اساس این تحریک جرم واقع شده باشد.

۲- هر فردی که با دیگری برای ارتکاب آن جرم توافق نموده باشد و بر اساس این توافق جرم محقق گردیده باشد.

۳- هر کس با علم به قصد ارتکاب جرم، اسلحه یا ابزار یا شیء دیگری را که در ارتکاب جرم به کار می‌رود به مرتکب بدهد یا عمداً او را به نحو دیگری در اقداماتی که ارتکاب آن را ممکن یا تسهیل یا تکمیل می‌نماید، مساعدت نماید.

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد در این ماده و بندهای ذیل آن قانون‌گذار درصدد ایجاد مسئولیت کیفری تام از نوع مشارکت برای تمامی افرادی است که مداخله‌ی آن‌ها در رکن مادی جرم به صورت مستقیم و بی‌واسطه نبوده است بلکه بنا به تصریح ماده مداخله این افراد به صورت ذیل بوده است:

۱- تحریک به ارتکاب جرم. تحریک به ارتکاب جرم می‌تواند در بردارنده‌ی مواردی از تهدید، تطمیع یا تشجیع هم باشد.

۲- تبانی و توافق بر ارتکاب جرم

بنا بر ظاهر ماده که عبارت شریک محسوب می‌گردد در آن بکار برده شده است، هر فردی که در محقق نمودن جرمی به هر نحوی مداخله‌ی مادی داشته باشد هر چند که این مداخله به نحو مباشرت مستقیم در رکن مادی جرم نیست بلکه با وجود قصد مشترک در وی محقق شده است، مسئولیت وی با مباشر و شریک اصلی برابر خواهد بود.

۳- فراهم نمودن وسایل ارتکاب جرم یا تسهیل یا ممکن نمودن وقوع رکن مادی جرم. قانون‌گذار در این موارد نیز که بر مبنای تفکیک سنتی در حقوق جزا مداخله در جرم به نحو معاونت در جرم محسوب می‌گردد، مسئولیت مداخله کننده را از نوع مشارکت در جرم و نه معاونت در جرم قرار داده است.

پرواضح است که قانون‌گذار در ماده‌ی اخیر به صراحت مسئولیت کیفری «همدستی» را در حقوق کیفری عراق پذیرفته است؛ بنابراین اگرچه در حقوق کیفری عراق در زمینه‌ی جرم سازمان یافته قانون یکپارچه‌ای که به تعریف مسئولیت کیفری اعضای گروه مجرمانه سازمان یافته پرداخته باشد، تصویب نشده است، با این وجود بنا بر نص صریح مواد ۴۷ و ۴۸ قانون مجازات عراق شماره ۱۱۱ مصوب ۱۹۶۹، امکان تحمیل مسئولیت برابر بر اعضای گروه سازمان یافته در مقابل جرائمی که سایر اعضای گروه بدان مرتکب شده‌اند وجود دارد. این در حالی است که برخی دیگر معتقد

هستند که قانون‌گذار کیفری عراق اصل را بر تفاوت میان مسئولیت کیفری معاون و مباشر در جرم قرار داده است. چراکه تحت دو عنوان «الفاعل» و «الشریک» به تفکیک دو نوع مسئولیت پرداخته است. در توضیح این مطلب بیان نموده‌اند که غالباً نقش شریک جرم با نقش مرتکب اشتباه گرفته می‌شود تا جایی که پذیرفته شده است که نقش هر یک از شرکت‌کنندگان در جنایت از اهمیت و خطر یکسانی در وقوع جرم برخوردار نیست؛ بنابراین قانون‌گذار عراقی میزان تمایز بین نقش‌های شرکت‌کنندگان در جنایت را در نظر گرفته است و بین نقش مرتکب اصلی و مداخله‌کننده در جرم تفاوت قائل می‌شود. اگرچه بنا به تصریح قانون‌گذار در ماده‌ی ۴۹ مسئولیت مداخله‌کننده در جرم کمتر از مسئولیت مرتکب جرم نیست. (هاشم عبدالله، ۲۰۲۰: ۳ و ۴)

بند ۱ ماده‌ی ۵۰ قانون جزای عراق مقرر نموده است:

هرکس به‌عنوان مرتکب یا شریک جرم در ارتکاب جرم شرکت کند به مجازاتی که برای آن جرم مقرر شده است محکوم می‌شود مگر اینکه قانون ترتیب دیگری مقرر کرده باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

جرم سازمان‌یافته بر جوامع توسعه‌نیافته و ناپایدار مانند دو کشور عراق و ایران آثار جبران‌ناپذیری در برداشته است. مبارزه همه‌جانبه با جرم سازمان‌یافته به دلیل ماهیت مستمر و پیچیده‌ی آن نیازمند اقدامات همه‌جانبه‌فراگیر است. با این وجود اقدامات دو کشور در جهت مبارزه و پیش‌گیری از این جرائم ناکافی و غیرمفید بوده است. از جمله دلایل مبرهن این عدم توفیق خلأ قانون جامع و مستقل در مبارزه با تمامی وجوه سازمان‌یافته در دو کشور است تا تمامی تدابیر و اقدامات در ساختاری منظم و هدفمند واقع شوند. یکی از تدابیری که برخورد با مجرمین سازمان‌یافته را منطقی و عادلانه می‌نماید و امکان‌رهای بسیاری از افراد مؤثر و کلیدی در موفقیت این جرائم را از دستگاه عدالت مسدود می‌نماید به رسمیت شناختن مسئولیت «همدستی» و امکان مجازات جرائم اصلی بر تمامی افراد گروه است.

در مقام برآیند این بررسی بیان می‌گردد که نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران که تاکنون متن کنوانسیون مستقل مبارزه با جرائم سازمان‌یافته را مورد تصویب نهایی قرار نداده است بلکه، علی‌رغم تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که مؤخر از کنوانسیون اخیر است، نه‌تنها در آن مقرره‌ای در خصوص جرائم سازمان‌یافته و تبیین مفهوم و شرایط آن وضع ننموده، بلکه با تصویب ماده‌ی ۱۳۰ تحت عنوان «سردستگی گروه مجرمانه» بر پیچیدگی مسئولیت کیفری در جرائم سازمان‌یافته افزوده است.

کشور عراق نیز که متن کنوانسیون را مورد تصویب قرار داده است، در جهت تدوین قانون یکپارچه در مبارزه با جرائم سازمان‌یافته که حاوی مفاهیم دقیق و روشن در خصوص این نوع از جرائم و نحوه‌ی تعیین مسئولیت کیفری افراد دخیل در آن باشد و یا حداقل وارد نمودن مفاهیم وابسته به جرم سازمان‌یافته به قانون عام کیفری عراق، اقدامی صورت نداده است. استناد به مسئولیت همدستی در برابر تمامی افراد مؤثر در فعالیت‌های حیاتی سازمان مجرمانه تنها از طریق مقررات عام حقوق کیفری عراق میسر است.

منابع**فارسی:**

- بیابانی، غلامحسین، ۱۳۹۵، خطر جرائم سازمان یافته در برنامه های توسعه، مجله کارآگاه، سال نهم، شماره ۳۶، ۸۹-۹۷
- بسیونی، محمد شریف، وتر، ادوارد، ۱۳۸۰، مقدمه ای بر درک جرائم سازمان یافته، ترجمه محمد ابراهیم شمس ناتری، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ۳۴، ۹۳-۱۴۰
- سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶، تحلیل جرم سازمان یافته از دریچه ی فقه جستارهای فقهی و اصولی، سال ۳، شماره ۹، ۹-۴۰
- سلیمی، صادق، ۱۳۸۲، جرائم سازمان یافته ی فراملی، تهران، انتشارات صدرا
- شمس ناتری، م، ۱۳۸۰، بررسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان یافته با رویکرد به -حقوق جزای بین المللی، رساله دکتری، تهران دانشگاه تربیت مدرس
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۷، اصول فلسفه و رئالیسم، ج ۱ چاپ دوم، قم بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
- کی نیا، محمد، ۱۳۷۴، روانشناسی جنایی، تهران، انتشارات رشد
- محسنی، فرید، ۱۳۹۱، جرائم شرکتی از نقطه نظر جرم شناسی، فصل نامه ی دیدگاه های حقوقی، شماره ۵۷، ۱۳۱-۱۵۶
- مقیم، مهدی، صوفی زمر، محسن، ۱۳۹۷، مفهوم و قلمرو جرائم سازمان یافته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نشریه کارآگاه، شماره ۴۴، ۴۴-۶۴
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، ۱۳۹۳، دایره المعارف جرم شناسی، چاپ سوم، تهران، گنج دانش
- قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)
- قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)

عربی:

- حاتم عبدالکاظم، زهراء، ۲۰۲۴، السياسه الجنائيه في مكافحه الجريمة المنظمه على الصعيدين الوطني و الدولي، مجله كلييه القانون للعلوم القانونيه و السياسيه المجلد ۱۳ العدد ۵۰، ۴۲۶-۴۵۰
- عبدالله حاشی، ع، ۲۰۲۲، جريمه تشكيل العصابه من منظر قانون المخدرات دراسه مقارنه بين العراق و الامارات المتحده العرييه، جامعه الاديان و المذاهب كلييه القانون رساله الماجستير فرع القانون
- عزيز داخل، ريسان، ۲۰۰۹، الجريمه المنظمه والفساد في العراق، مجله كلييه الاداب المجلد ۲، العدد ۸۹، ۴۹۱-۵۱۴
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، ۱۴۲۹، فقه الحدود و التعزيرات، قم، مؤسسه النشر لجماعه المفيد الثانيه
- هاشم عبدالله، م، ۲۰۲۰، طرق المكافحه الجريمه المنظمه في القانون العراقي و المصري، رساله الماجستير في القانون الجنائي و علم الاجرام، جامعه المصطفى العالميه، كلييه العلوم و المعارف
- صحيفه العرب، ۲۰۲۳/۱۲/۱۲، مرتبه متقدمه للعراق على مؤشر الجريمة المنظمه، <https://alarab.co.uk>
- قانون عقوبات العراق رقم ۱۱۱ (۱۹۹۶)
- قانون مكافحه الاتجار بالبشر رقم ۲۸ (۲۰۱۲)
- قانون مكافحه البغاء رقم ۸ (۱۹۸۸)
- قانون المخدرات و المؤثرات العقلية رقم ۵۰ (۲۰۱۷)

انگلیسی:

- Brenner, Susan W, 1991, of complicity and enterprise criminality: applying Pinkerton liability to Rico Actions, Missouri law review.vol.56.Issue 4: 1- 84
- Elliott, catherine, Quin, Frances,2015, criminal law,third Edition, mizan publication, Tehran
- Gillies,Peter s, 1981, The Law Of Criminal Complicity, Law Book Co,Sydney
- Kadish Sanford. A., 1985, complicity,cause and blame: a study in the interoperation of the doctrine. Berkley law, 73 cal,L,Rev 323, 329- 410
- Kutz,Christopher,2007,causeless complicity, criminal law and philosophy,vol 1, 289- 305
- Mallema, Gregory, 2011, legal versus moral complicity, American international journal of contemporary research,Vol 1.No2,126- 129
- Summers, Mark A. 2011, attribution of criminal liability:a critical comparison of the U.S Doctrine of conspiracy and the ICTY doctrine of joint criminal enterprise from an American perspective, (Zagreb), vol.18. broj1
- Sutherland, Edwin Hardin, 1950, White Collar Crime, New York: Dryden Press
- United Nation Convention On Combating Transnational Organized Crimes (December 2000)

چکیده مبسوط

مسئولیت «همدستی» در جرم در حقوق کیفری نهادی است که عدالت کیفری اکنون ضرورت آن را دارد. آنچه این ضرورت را موجب گردیده آمار بیشمار بزهکاری گروهی از جمله جرائم سازمان یافته مالی، تروریسم، جرائم جنگی و جنایات علیه بشریت است. چرا که مجرمان امروزه بیش از پیش در جهت نیل به انگیزه‌ها و امیال خود از این امکان بهره برده‌اند و نظم و امنیت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی کشورها را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به شدت به مخاطره انداخته‌اند. بر اساس پژوهش‌های انجام یافته مجرمان سازمان یافته در بزهکاری‌های خود در پی یافتن جوامعی هستند که کمتر از توسعه‌ی پایدار برخوردار هستند. جامعه‌ی عراق و ایران از جمله‌ی دو کشوری‌اند که به دلیل بی‌ثباتی در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی، تقنینی، اقتصادی و مالی به محل‌های مناسبی برای ایجاد و گسترش گروه‌های جرم سازمان یافته تبدیل شده‌اند. از طرفی وجود افراد متخصص، متبحر و هوشمند مانند، رهبران، طراحان، ناظران فنی بر ارتکاب جرائم، مطلعین و مخبران و... که بسا نقش‌های حیاتی و کلیدی را در بقاء سازمان مجرمانه ایفاء می‌نمایند، بر دامنه‌ی افراد دخیل در جرائم سازمان یافته افزوده است و مبارزه با این جرائم را بسیار پیچیده و مشکل نموده است. یکی از موانعی که ممکن است مبارزه با جرائم سازمان یافته را دچار چالش نماید، نحوه‌ی تسهیم و تقسیم مسئولیت کیفری افراد گروه در برابر جرم یا جرائم سازمان یافته است.

نظریه‌ی «همدستی» در جرم، نهادی است که در این چالش می‌تواند راه گشا باشد. خاستگاه این نظریه را باید جرائمی دانست که با تعدد عوامل دخیل در مجموعه‌ی جرم، اعم از عملیات مقدماتی، تهسیل یا حضور در صحنه جرم و انجام رکن مادی، صورت گرفته و در ضمن قصد مشترک مورد توافق نیز احراز گردد. این نهاد امکان تحمیل مسئولیت کیفری بر تمامی مداخله‌کنندگان در جرائم گروهی و سازمان یافته را به نحو برابر، اعم از مباشر و معاون، فراهم می‌نماید. این نظریه با فرض تبیین بر اساس مبانی صحیح و قاعده مندی در آثار، امکان پاسخ عادلانه به انواع مداخله در رکن مادی جرم را فراهم می‌نماید.

این مساله نگارنده را بر این داشت تا به بررسی حقوق کیفری دو کشور عراق و ایران، به عنوان دو کشور اسلامی مواجهه با جرائم سازمان یافته، از حیث چگونگی تعیین مسئولیت کیفری افراد فعال در گروه مجرمانه بپردازد. در این راستا، در ابتدا به بررسی مفهومی عنوان «همدستی در جرم» و «جرم سازمان یافته» پرداخته شده است. سپس نگارنده به بررسی قوانین کیفری مرتبط با جرم سازمان یافته، از حیث نحوه‌ی تعیین و اعمال مسئولیت کیفری بر اعضاء گروه سازمان یافته در حقوق کیفری ایران و عراق پرداخته است.

۱- مفهوم همدستی در ارتکاب جرم

مجرمین در اغلب اوقات بدلائل مختلفی از جمله دلایل روانشناسانه و فنی، در تحقق اهداف مجرمانه‌ی خود روش ارتکاب جمعی را انتخاب می‌نمایند، به نحوی که ممکن است افرادی در ذیل یک جمع مجرمانه نقش‌هایی مستقیم یا غیر مستقیم در تحقق رکن مادی جرم ایفاء نمایند. بنابراین جمع مجرمانه بر حسب نوع مداخله مادی مجرمان دخیل در آن، می‌تواند اشکال مختلفی از مسئولیت را موجب گردد. از جمله: -مسئولیت بر مبنای مشارکت در جرم، -مسئولیت بر مبنای معاونت و مشارکت در جرم و -مسئولیت بر مبنای همدستی در جرم

برآیند این مطلب عبارت است از اینکه در حقوق کیفری فردی که رکن مادی جرم را ایجاد نموده تنها شخصی نیست که در قبال جرم مسئولیت کیفری پیدا می‌نماید، بلکه اگر دیگر افراد با کم‌ترین میزان اثر گذاری در تحقق

نتیجه‌ی مجرمانه مداخله نموده باشند برآنان نیز مسئولیت کیفری تحمیل خواهد شد. این قسم اخیر از مسئولیت کیفری، در بردارنده‌ی مفهوم حقوقی «همدستی» در جرم است که در مبارزه با جرائم سازمان یافته مالی بهترین امکان در مواجهه و تحمیل مسئولیت کیفری برای افراد مداخله کننده در جرائم گروه سازمان یافته را فراهم می‌نماید.

۲- همدستی در جرائم سازمان یافته در کنوانسیون «مبارزه با جرم سازمان یافته فراملی» (پالرمو)

یکی از اقداماتی که دول عضو در کنوانسیون مبارزه با جرم سازمان یافته‌ی فراملی (۲۰۰۰) (پالرمو) بدان ملزم گردیده‌اند، وارد نمودن مفاهیم جرائم مندرج در ذیل مقررات کنوانسیون به مجموعه‌ی قوانین آن دولت عضو است. کنوانسیون در ماده‌ی ۵، در زمینه‌ی جرم انگاری و مسئولیت کیفری برآمده از «عضویت یا مشارکت در گروه سازمان یافته مجرمانه» که در حقیقت همان مسئولیت کیفری «همدستی در گروه مجرمانه» است، دول عضو کنوانسیون را ملزم به اقدامات تقنینی نموده است. ماده‌ی ۵ کنوانسیون، تمامی اقدامات ذیل را به عنوان همدستی در گروه مجرمانه مورد جرم انگاری قرار داده است:

-توافق و تبانی در ایجاد سازمان مجرمانه

-هرگونه مداخله مؤثر در تحقق رکن مادی جرائم سازمان یافته، در جهت پیشبرد جرائم ارتكابی

-سازماندهی، رهبری، مشاوره، هر نوع تسهیل در ارتكاب جرائم سازمان یافته

۳- مسئولیت همدستی در جرائم سازمان یافته در حقوق کیفری ایران

علی رغم امضاء سند پذیرش کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی (پالرمو) و تصویب لایحه‌ی الحاق به کنوانسیون از ناحیه‌ی مجلس شورای اسلامی، تصویب نهایی کنوانسیون به دلیل ایرادات فقهی و حقوقی شورای نگهبان متوقف شده است.

علی رغم وجود مفاهیم مرتبط با مجرمیت جمعی و سازمان یافته در قوانین متعدد کیفری، قانونگذار تعریفی از جرم سازمان یافته و مسولیت کیفری برآمده از آن، به عمل نیاورده و صرفاً به تشکیل شبکه، گروه یا جمعیت برای ارتكاب رکن مادی اشاره نموده است و یا در مواردی صرفاً اداره، رهبری یا سردستگی را از علل مشدده‌ی مجازات دانسته است. انتظار می‌رفت قانونگذار ۱۳۹۲ با توجه به چالش‌های جرم سازمان یافته در طول سالیان به ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران، خلاءهایی که در زمینه‌ی مواجهه با جرائم سازمان یافته وجود داشت را اصلاح نماید. با این وجود در ماده‌ی ۱۳۰ تنها به مسئولیت کیفری سردسته و یا طراح گروه مجرمانه تصریح نموده و هیچ مقررده‌ی دیگری در خصوص مسئولیت کیفری سایر افراد مؤثر و دخیل در جرائم سازمان یافته وضع نموده است. حتی در خصوص افراد مذکور در ماده، پر واضح است که قانونگذار در ماده‌ی ۱۳۰ اصولاً در صدد ایجاد مسئولیت «همدستی» در جرم و امکان مجازات برابر با مرتکبین رکن مادی جرائم نبوده است. قانونگذار با تقسیم بندی جرائم، در خصوص افراد مزکور در ماده مسئولیت آنان را به شرح ذیل تعیین نموده است:

- در جرائم تعزیری مسئولیت سردسته گروه را مجازات شدیدترین جرمی که مرتکبین جرائم انجام داده‌اند، برشمرده است. درحالی‌که اگر قانونگذار در صدد تحمیل مسئولیت «همدستی» در جرائم تعزیری برای سردسته و یا طراح گروه بود باید همانند شرکاء در جرم مسئولیت وی را مشمول قواعد تعدد جرم می‌نمود.

- در جرائم قصاص و دیه سردسته و طراح گروه به حداکثر مجازات معاونت در جرائم مذکور می‌رسد.

-تنها موردی که می‌توان مسئولیت کیفری از نوع همدستی را برای سردسته گروه سازمان یافته در نظر گرفت، در موردی است که امکان تطبیق عنوان «محابره و افساد فی الارض» بر جرم یا جرائم ارتكابی موجود باشد.

۴- مسئولیت همدستی در جرم سازمان یافته در حقوق کیفری عراق

کشور عراق علی‌رغم الحاق و تصویب سند کنوانسیون پالمو، هنوز قانون یکپارچه در مبارزه با جرائم سازمان یافته را مورد تصویب قرار نداده است و صرفاً در مجموعه‌ی قوانین عام کیفری موادی ملاحظه می‌گردد که دارای ارتباط با جرائم سازمان یافته هستند. تبنانی موضوع مواد ۵۵ تا ۵۹ قانون مجازات عراق شماره (۱۱۱) مصوب ۱۹۶۶، تشکیل و عضویت در گروه‌ها و باندهای مخفی مجرمانه (مواد ۲۰۵، ۱۹۶، ۱۹۴ و ۲۰۹) از جمله‌ی این مقررات مرتبط با جرم سازمان یافته و یا مجرمیت گروهی است. در قوانین دیگری غیر از قانون عقوبات عراق، موادی هستند که اشاراتی را در خصوص سازمان یافتگی جرائم و یا عضویت در گروه‌های مجرمانه در بردارند. به طور مثال ماده‌ی ۲۹ قانون مواد مخدر ۲۰۱۷ عراق، که ویژگی سازمان یافتگی، را تنها به عنوان عامل مشده‌ی مجازات برشمرده است. علی‌رغم عدم تصویب قانون خاص با موضوع «جرائم سازمان یافته»، همچنین قوانینی که به صراحت مسئولیت کیفری همدستی در گروه مجرمانه را وضع نموده باشند، قانونگذار عراق در ماده‌ی ۴۸ قانون جزای عراق (۱۱۱) در بندهای سه گانه مسئولیت افرادی را معین نموده است که در رکن مادی جرائم به نحو مستقیم مداخله نموده‌اند و لیکن در برابر رفتارهای ارتكابی، به عنوان مباشر در جرم مسئولیت کیفری پیدا خواهند نمود. اقداماتی که فرد در صورت ارتكاب آن‌ها به عنوان همدست در جرم محسوب خواهد شد عبارتند از:

- تحریک به ارتكاب جرم.
- تبنانی و توافق بر ارتكاب جرم
- فراهم نمودن وسایل ارتكاب جرم یا تسهیل یا ممکن نمودن وقوع رکن مادی جرم

Extended Abstract

“Complicity” in crime is an institution in criminal law that criminal justice now needs it. What has made it necessary, is the innumerable statistics of group criminality, including organized financial crime, terrorism, war crimes, and crimes against humanity.

Because criminals today have taken advantage of this possibility more than ever to achieve their motives and desires and have seriously jeopardized the economic, cultural, and political order and security of countries at regional and international levels. According to researches, organized criminals are looking for societies that are less sustainable in development. Iraq and Iran are among the two countries that have become suitable places for the creation and expansion of organized crime groups due to instability at various political, social, legislative, economic, and financial levels.

On the other hand, the existence of specialized, skilled, and intelligent individuals such as leaders, planners, technical supervisors of crimes, informants, etc., who often play vital and key roles in the

survival of a criminal organization, has increased the scope of individuals involved in organized crime and has made the fight against these crimes very complex and difficult. One of the obstacles that may challenge the fight against organized crime is the way in which criminal responsibility is shared among individuals in a group for the crime or organized crimes.

The theory of “complicity” is an institution that can provide a solution to this challenge. The origin of this theory should be considered, crimes that are committed by multiple factors involved in the crime, including preparatory operations, procuring or presence at the scene of the crime and committing the actus reus of the crime, and in addition, a common purpose is also required.

This institution provides the possibility of imposing criminal liability on all intervenors in group and organized crimes equally, including the principal and the accessories. This theory, if explained on correct principles and regularity in the works, provides the possibility of a fair response to all types of interference in the actus reus of the crimes.

This issue prompted the author to examine the criminal laws of Iraq and Iran, as two Islamic countries facing organized crime, in terms of how to determine the criminal liability of individuals active in a criminal group.

In this regard, the conceptual terms of “complicity” and “organized crime” are first examined. Then, the author examines the criminal laws related to organized crime in terms of how to determine and apply criminal liability to members of an organized group in the criminal laws of Iran and Iraq.

1- The concept of «complicity» in committing a crime

Criminals often choose to commit a crime collectively for various reasons, including psychological and technical reasons, in order to achieve their criminal goals, in such a way that individuals within a criminal group may play direct or indirect roles in committing the actus reus of the crime.

Therefore, a criminal group can give rise to various forms of liability, depending on the type of material intervention of the criminals involved in it. Including:

- Liability based on participation in the crime,
- Liability based on aiding and abetting in the crime
- and - Liability based on complicity in the crime.

The conclusion of this, is that in criminal law, the person who committed the actus reus of the crime is not the only person who is criminally liable for the crime, but if other people have intervened with the least degree of influence in achieving the criminal result, criminal liability will also be imposed on them. This latter type of criminal liability includes the legal concept of “complicity” in a

crime, which in the fight against organized financial crimes provides the best opportunity to confront and impose criminal liability on individuals involved in the organized group.

2- Complicity in Organized Crime in the Convention against Transnational Organized Crime (Palermo)

One of the measures that the States Parties are required to take in the Convention against Transnational Organized Crime (2000) (Palermo) is to include the concepts of the crimes listed in the provisions of the Convention in the laws of that State Party.

In Article 5 of the Convention, the States Parties are required to take legislative measures in the field of criminalization and criminal liability arising from “membership or participation in an organized criminal group”, which is in fact the same as the criminal liability of “complicity in a criminal group”. Article 5 of the Convention criminalizes all of the following actions as complicity in a criminal group:

- Agreement and conspiracy in the creation of a criminal organization
- Any effective intervention in the realization of the actus reus of organized crimes, in order to advance such crimes
- Organization, leadership, consultation, any type of facilitation in the commission of organized crimes

3- Liability for complicity in organized crimes in Iranian criminal law

Despite the signing of the Palermo Convention by Iranian government and the approval of the bill to enact the Convention by the Islamic parliament, the final ratification of the Convention has been suspended due to jurisprudential and legal objections by the Guardian Council.

Despite the existence of concepts related to collective and organized crime in numerous criminal laws, the legislator has not defined organized crime and the criminal liability arising from it, and has merely referred to the formation of a network, group, or population to commit the actus reus, or in some cases has merely considered management or leadership, as aggravating causes of punishment.

The 2013 legislature was expected to correct the gaps in dealing with organized crime, given the challenges of organized crime over the years, especially after the Islamic Revolution of Iran.

However, Article 130 only stipulates the criminal liability of the leader or planner of the criminal group and does not establish any other provisions regarding the criminal liability of other effective and involved individuals in organized crimes. Regarding the individuals mentioned in the article, it

is also clear that the legislator in Article 130 did not intend to create the liability of “complicity” in the crime and the possibility of punishment equal to the perpetrators of the actus reus of the crimes.

By categorizing the crimes, the legislator has determined the liability of the individuals mentioned in the article as follows:

- In Ta’zir crimes, the responsibility of the group leader is considered the most severe punishment for the crimes committed by the perpetrators. However, if the legislator intended to impose the responsibility of “complicity” in Ta’zir crimes on the leader or the mastermind of the group, he should have made his responsibility subject to the rules of multiple crimes, like the perpetrators in the crime.

- In crimes subject to retribution and blood money, the leader and planner of the group will receive the maximum penalty of complicity in the aforementioned crimes.

- The only case in which criminal liability in the form of complicity can be considered for the leader of an organized group is in a case where the title “war on earth and corruption on earth” can be applied to the crime or crimes committed.

4- Liability for complicity in organized crime in Iraqi criminal law

Despite the accession and ratification of the Palermo Convention, the Iraqi government has not yet adopted a unified law on combating organized crime, and only articles related to organized crime are considered in the general criminal law.

Conspiracy the subject of Articles 55 to 59 of the Iraqi Penal Code No. (111)(1969), the formation and membership in secret criminal groups and gangs (Articles 194, 196, 205 and 209) are among the provisions related to organized crime or group criminality. In laws other than the Iraqi Penal Code, there are articles that contain references to the organization of crimes or membership in criminal groups. For example, Article 29 of the Iraqi Narcotics Law of 2017, which lists the characteristic of organization as the only factor in the punishment. Despite the lack of a specific act on “organized crimes”, as well as laws that explicitly establish criminal liability for complicity in a criminal group, the Iraqi legislator has determined in Article 48 of the Iraqi Penal Code (111) in three paragraphs the responsibility of individuals who have not directly intervened in the actus reus of the crimes, but will be held criminally liable for the acts committed as an accomplice in the crime. The acts that an

individual will be considered an accomplice in the crime if they commit them, include:

- Incitement to commit a crime.
- Conspiracy and agreement to commit a crime
- Providing the means to commit a crime or facilitating or enabling the occurrence of the material element of the crime.

